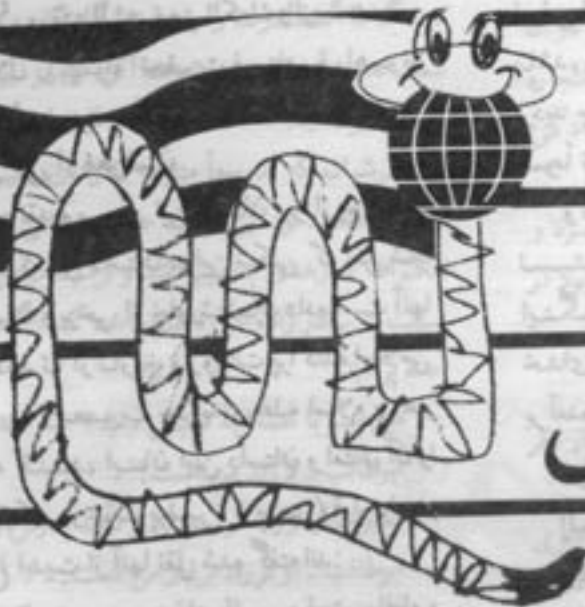


# طرح‌های استعمار در کشورهای اسلامی

حجة الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی



در مقاله گذشته در زمینه فعالیت‌های استعمارگران در کشورهای اسلامی مطالبی به اختصار بیان کردیم و گفتیم که: انگلستان در این حرکت ضد انسانی پیشقدم‌تر از دیگران بود (گرچه امروزه آمریکا در شیطنت از همه جلوتر است) که طرح‌های استعماری خود را با سرعت و عجله بسیار زیادی هنگامیکه بیشتر مردم مسلمان کشورهای اسلامی در سایه غفلت و عیاشی و شهوترانی و بی‌کفایتی حاکمان و... در جهل و ناآگاهی و فقر و ضعف بسر می‌بردند، به اجرا درآورد.

و بدیهی است که کشور استعمارگر انگلستان با طرح‌های جدید خود نمی‌خواست مانند سلطه گران و خونخواران گذشته لشکرکشی کند و در کشورهای اسلامی بظاهر حکومت کند و در نتیجه غاصب و تجاوز محسوب شده، با خشم و غضب ملل مسلمین مواجه گردد و اصولاً این عمل با اهداف و کیفیت استعمار مناسب نیست بلکه هدف مهم برای استعمارگران نو که بسیار بدتر و جلا‌دتر و

خائن‌تر از سلطه گران خونخوار سابق هستند، دست یازیدن به معادن و فلزات و جواهرات و ذخایر و نفت و دریاها و کشتی‌های با ارزش و معزهای متفکر مسلمین و بالاخره پیدا کردن بازار مصرف برای صنایع و تولیدات خودشان و... می‌باشد که رسیدن به اهداف فوق بدون انجام اقداماتی در میان مسلمین میسر نبود که طبق نقل جاسوسان انگلستان آنها را شروع کرد از قبیل:

۱- ایجاد تفرقه و نفاق و اختلاف میان مسلمین بعنوان مختلف، مانند: سنی، شیعه، عرب، عجم، کرد و غیر گنرد و ایجاد مرزهای مختلف در کشور پهناور اسلامی و تقسیم حکومت عثمانی به کشورهای کوچک و قرار دادن یک دست‌نشانده و مزدور در رأس هر کشوری بعنوان: شاه، رئیس جمهور، سلطان، حاکم، امیر و غیره.

۲- ایجاد تزلزل در عقیده مسلمین به مبدأ و معاد و عبادات و اجتناب از محرمات و عمل به واجبات بالخصوص

واجبات اجتماعی مانند نماز جمعه - جماعات - حج و زیارت پیامبر و اهل بیت عصمت علیهم السلام و تعاون میان مسلمین و وجود جهاد و دفاع و جنگ با کافران متجاوز که بنقل جاسوس انگلیس همقر: باید در این مسأله پافشاری می‌کردند که امر جهاد منحصرأ مربوط به صدر اسلام و بمقتضی سرکوبی مخالفان بوده و امروزه ضرورت آن مسلم نیست!

۳- دورنگهداشتن مسلمین از احکام و تعالیم عالییه اسلامی و فهمیدن مشکلات اجتماعی و اوضاع آشفته خودشان؛ با ترویج فحشا و منکرات و قمار بازی و مشروب‌خواری و بی‌حجابی و بی‌پندباری و عیاشی و شهوترانی و رباخواری در میان مسلمانان که متأسفانه در این جهت شدیداً پیشرفت کردند بطوریکه الآن نیز تا حدی جمهوری اسلامی گرفتار این چنین مسائل است.

۴- و از همه مهمتر بدبین کردن مسلمانان نسبت به علمای اسلام و روحانیت و مراجع تقلید شیعه که روح



اطاعت و تقلید و حرف شنوی مسلمین از علمای بزرگ خود از میان برود؛ چرا که این مسئله را مانع بسیار بزرگی در برابر اجرای طرحهای پلید خود می دیدند و می دانستند که روحانیت بود که در طول قرنهای متمادی، اسلام و قرآن را بحالت زنده و متحرک و دست نخورده در میان مسلمین نگهداشته و همواره در برابر انحرافات فکری و عقیدتی و حملات و تجاوزات اجانب به اسلام و کشورهای اسلامی و منافع و حیثیت مسلمین ایستادگی کرده و متحمل خسارات و زنجها و شکنجه ها شده اند بویژه روحانیت و فقهای بزرگ شیعه که با اعتقاد به ولایت عظمای اهل بیت عصمت و ائمه معصومین علیهم السلام و ولایت فقیه و مسئولیت سنگینی که بعهدہ ولی فقیه گذاشته شده است و باز بودن راه اجتهاد و پیشرفت تکاملی آن، همواره در تمامی مسائل و مشکلات جامعه اسلامی و حرکتهای مردمی همراه با پیشرفت علم و صنعت و تکنیک کار خود را ادامه داده و در همه زمینه ها و پدیده های نو و حادث، طبق فرمان مطاع مولای بزرگوار خودشان حضرت بقیة الله الاعظم «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا» احکام اسلام را از کلیات ثابت و لایتنغیر اسلام اجتهاد کرده و با شرایط موجود تطبیق و در اختیار مردم قرار می دادند و نه تنها مانند گردانندگان کلیساهای قبل از رنسانس اروپا و انقلاب کبیر فرانسه در برابر پیشرفت علم و تمدن و آزادیخواهی مردم ایستادگی نمی کردند بلکه خود پیشقدم و همواره رهنمون و پشتیبان مردم بودند بخصوص حرکتهای علمای بزرگ شیعه در صدر انقلاب مشروطیت و جریان تحریم تنباکو از طرف فقیه بزرگوار میرزای شیرازی «رضوان الله علیه» و تأثیر بسیار زیاد آن

در میان مردم و حرکتهای روحانی بزرگوار مرحوم سید جمال الدین اسد آبادی در ایران و مصر و هندوستان و افغانستان و غیره و حرکت عظیم مراجع و علمای بزرگ شیعه در عراق در برابر انگلستان، زنگ خطری برای طرحهای استعماری بود که انگلستان را ب فکر چاره جوئی انداخت و باید کاری می کرد که روحانیت محبوبیت خود را در میان مردم از دست بدهد و در نتیجه منزوی شده و حکم و دستوراتشان نافذ نباشد. و اولین قدمی که در این زمینه برداشتند؛ این بود که تبلیغ می کردند که دین و عالمان دین با پیشرفت علم و تمدن و صنعت و آزادیهای مردم مخالف هستند و روحانیون و گردانندگان کلیساهای اروپا و فرانسه قبل از انقلاب کبیر را مثال می آوردند و مردم را تشویق می کردند که علیه روحانیت قیام کنند همانطور که در اروپا همین کار را کردند و از این طریق تا حدودی فیز پیش رفتند لکن آگاهی و دوراندیشی و ذکاوت بسیاری از علمای شیعه مانند علمای بزرگ صدر مشروطیت و شیخ فضل الله نوری و مرحوم آیت الله مدرس، آیت الله نائینی و آیت الله کاشانی و آیت الله کاشف الغطاء و دیگران این توطئه را درهم شکست و با قلم و بیان حقایق اسلام خصوصاً با عمل و اقدامات عملی خویش ثابت کردند که در گذشته و حال نه تنها دین اسلام و تشیع و عالمان و مراجع تقلید تشیع مزاحم و مانع پیشرفت و آزادیهای مشروع مردم نبودند بلکه خود طلایه داران علم و دانش و سازندگان مدارس و دانشگاهها و کتابخانه های بزرگ دنیا در علوم و فنون مختلف بودند و در تمام ادوار روحانیون شیعه بودند که در برابر مظالم و استبداد و استثمار و هر گونه انحراف و اعمال زور و فشار بر مردم ایستادگی

می کردند و در این راه متحمل هر گونه خسارتهای، زندانها، تنبیه ها و شهادتها شده اند و یکی از امتیازات علمای شیعه همین است و اگر عالم شیعه غیر از این باشد هرگز مردم مسلمان شیعه نباید از او پیروی کنند و اطاعت نمایند. **۱۰۰** برای روشن شدن مطلب روایتی از امام حسن عسکری سلام الله علیه که مرحوم طبرسی در احتجاج خود نقل می کند و در این موقعیت اجتماعی فعلی ایران اسلامی ما بسیار مفید است با اینکه مفصل است، نقل می کنیم: **۱۰۱** وسائل الشیعه ج ۱۸ کتاب القضا باب ۱۰ از ابواب صفات قاضی احمد بن علی بن ابی طالب العبرسی در کتاب احتجاج خود از امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «فویل للذین یکتبون الکتاب بایدبهم ثم یقولون هذا من عند الله» قال: هذه لقوم من الیهود. یعنی وای بحال کسانی که از جانب خود و با دستهای خود چیزی را می نویسند و آنرا بخداوند نسبت می دهند و می گویند از طرف پروردگار است تا بوسیله آن مقدار کمی از مال دنیا بدمت بیاورند. (آیه ۷۹ بقره) امام فرمود: این آیه در باره عده ای از قوم یهود است. سپس یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام بایشان عرض کرد که: مردم عوام یهود برای یاد گرفتن کتاب آسمانی و احکام دین خودشان، راهی جز یاد گرفتن از علمای خویش ندارند و تنها راهشان همین است، پس چرا پروردگار آنها را مدقت و سرزنش کرده است؟ مگر نه اینست که آنان مانند عوام ما شیعیان هستند که از علمای خود تقلید و پیروی می کنند؟ **۱۰۲** امام صادق علیه السلام فرمود: میان عوام ما و عوام یهود از یک جهت وجه تشابه و تساوی است ولی از جهت دیگر تفاوت بسیار دارد اما جهت تشابه و تساوی این



است که خداوند همانطور که عوام آنانرا بر تقلید آنچنانی علمای خویش سرزنش کرده است، همانطور عوام ما نیز اگر از عالمانی مانند علمای یهود تقلید کنند، مورد سرزنش و مذمت واقع می شوند ولی فرقی که هست در این است که: عوام یهود با اینکه از علمای خود دروغهای روشن و حرام خواری و رشوه خواری و تغییر و تفسیر احکام (بمنفع خود و سلاطین و حاکمان جور) دیدند باز از آنان پیروی کردند در حالیکه چنین افرادی فاسقند و نمی شود بآنان اطمینان کرد و آنانرا در رساندن احکام الهی و واسطه میان خلق و خالق بودن، تصدیق نمود و لذا خداوند آنانرا سرزنش می کند و همینطور عوام ما شیعیان اگر از علمای خود، اعمال فاسقانه و تعصبات شدید بی جا در رابطه با هواهای نفسانی و شخصی خودشان و حریص بودن و طمع زیاد داشتن به مال و ثروت دنیا و جاه و مقام دنیوی - گرچه از حرام بدست بیاید - ببینند و مع ذلک آنانرا پیروی کنند، آنان نیز مثل عوام یهود هستند که خداوند در رابطه با تقلید غلطشان آنها را مورد توبیخ و مذمت قرار داده است.

### ویژگیهای علمای شیعه

و اتنا من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً على هواه مطيعاً لا مرمولاه فللعوام ان يقلدوه وذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم و اتنا من ركب من القبائح والفواحش مراكب علماء العامة فلا تقبلوا منهم شيئاً ولا كرامة يعنى: اگر از فقهای شیعه کسانی باشند که نفس خود را از ارتکاب گناهان و خواسته های نفسانی و شخصی خویش باز دارند و برای حفظ دین تلاش کنند و مخالف هوای نفسانی خویش و مطیع

دستورات مولای خود، پروردگار متعال باشند، عوام شیعیان ما می توانند آنانرا پیروی کنند و اینگونه علما با صفات پاکی که گفته شد اندکی از علماء هستند و همه دارای چنین شرائطی نمی باشند و اگر از علمای ما کسانی بودند که به اعمال قبیح و گناهان مرتکب بشوند و مانند بعض علمای عامه. به حکام جور و سلاطین و خلفای غاصب برای توجیه اعمال غلط و خلاف شرع - نزدیک بشوند هرگز هیچ دستوری را از آنها نپذیرید و شخصیت بآنان ندهید.

پس امام علیه السلام به تفصیل ضرر اینگونه علمای فاسق را بیان می کند و بالاخره می فرماید که ضرر اینها از سپاهیان یزید برای اسلام و مسلمین بیشتر است چرا که هم خود در ضلالت و گمراهی هستند و هم دیگران را به گمراهی و هلاکت می کشانند.

برای هر شخص مطلع و منصف از این روایت و امثال آن بسیار روشن می شود، که علمای اسلام و فقهای بزرگوار شیعه چه نقشی باید در میان مردم داشته باشند که همواره باید برای کمال انسانها در ابعاد مختلف مادی و معنوی و پیشرفت آنان و بیدار کردن حقوق حقه خود و آزادیهای مشروع و دفاع و مبارزه در برابر متجاوزین به اموال و توانمیس و حقوق مردم، قیام و تلاش کنند. بدیهی است که دشمنان دین هرگز نتوانستند این عظمت و محبوبیت را در علمای بزرگ و متعهد اسلامی تحمل کنند و همواره در فکر شکست روحانیت و از میان بردن نفوذ آنان بودند زیرا یک عالم متعهد بیدار و نترس از چند لشکر بزرگ در برابر استعمارگران خطرناکتر است و لذا از هر طریقی بود کوشیدند که روحانیون را در میان مردم بکوبند: از طریق ایجاد اختلاف میان روحانیت و تشدید

اختلافات سلیقه ای و فکری در میان آنان و کشاندن اختلافات به میان مردم و یا از طریق نفوذ در میان روحانیت و وارد کردن افراد خائن و اجنبی در لباس روحانی و بالاخره از طریق تهمت و افترا و تضعیف آنان و از میان بردن شخصیت و عظمت آنها در میان مردم که دیگر مورد قبول مردم واقع نشوند.

همفر آن جاسوس کهنه کار انگلیس در یادداشتهای خود در همین زمینه می گوید:

مواردی که باید برای گسترش ضعف میان مسلمین انجام می دادیم در کتابی وزیر مستعمرات انگلیس بما داد و ماده ۱۵ آن در ص ۸۴ کتاب اینست که باید اساس هرگونه نماز جماعتی را با اشاعه اتهاماتی به ائمه جمعه و جماعت برهم زد و از استقبال مردم از آن کاست مخصوصاً لازم است دلائلی برفسق و فجور امام جماعت ارائه داد تا هرگونه رابطه ای بین امام و مردم به سبب سوء ظن و دشمنی با او از میان برود.

و در ص ۸۳ ماده ۱۱ می گوید: از امور دیگری که سبب تقویت نفوذ اسلام در منطقه است موضوع خمس و تقسیم غنائم وسیله علما بین مردم مستمند است؛ ضرورت دارد که مسلمین را آگاه سازیم که پرداخت در زمان پیامبر و امامان واجب بوده است و علمای دین این اختیار را ندارند مخصوصاً که علماء وجوه خمس را به سود خود صرف می کنند و خانه و کاخ و باغ و اسب و گاو و گوسفند می خرند بنابراین شرعاً خمس بایشان تعلق نمی گیرد!! البته این تهمتها را حدود سیصد سال پیش می زدند و متناسب با آن زمان دارد و هر زمان باید متناسب آن زمان تهمت بزنند و لذا در زمان ما به گونه ای دیگر این تهمتها را برای تضعیف روحانیت می زنند.